



کیفیت سود: چالش بزرگ حسابداری

دکتر سید علی واعظ^۱

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

دکتر رحیم بنابی قدیم^۲

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هشتگرد، هشتگرد، ایران

(تاریخ دریافت: ۳۰ دی ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹)

نقطه شروع بسیاری از تصمیم‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری، آگاهی از کم و کیف سود گزارش شده شرکت به عنوان شاخصی از عملکرد مدیریت آن است. در این میان به دلیل جدایی مالکیت از مدیریت، همواره سود گزارش شده توسط مدیریت، بیانگر سود واقعی مورد درخواست سرمایه‌گذاران نیست. چرا که سود به واسطه عدم ارائه تعریف واحد، جامع و چارچوب مند در ادبیات حسابداری و نیز به دلیل انعطاف و خلاء استانداردهای گزارشگری مالی، این امکان را برای مدیران فراهم می‌کند که سود را برای دستیابی به اهداف و منافع شخصی خود مورد دستکاری قرار دهند. به عبارتی در حال حاضر سود خالص ارائه شده ترکیبی از اقلام واقعی، گاهی صوری و اقلام تخمینی است و عیوب این سود که جنبه واقعی بودن را از آن دور می‌کند این است که اولاً معاملات صوری اساساً مبنای واقعی نداشته و در صورت کشف آن، تقلب در گزارشگری مالی محسوب می‌شود دوماً اقلام تخمینی و قضاوتی هم نتیجه پندارهای مدیریت است و نه دادوستدهای انجام شده و اصولاً نمی‌توان به چنین اقلامی صفت واقعی را منتسب کرد و بالاخره مبادلات واقعی هم ممکن است از تمایلات مدیریتی مصون نمانده باشد. در نتیجه باید از مفهوم سود واقعی چشم‌پوشی و به سطح سود حسابداری با کیفیت اکتفا کنیم. ضمناً بیان صادقانه سود به شکل ایده‌آل (از منظور تئوریک) امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان مفهوم سود اقتصادی را به عنوان الگویی مناسب و عملی برای ارائه یک سود حسابداری با کیفیت تلقی کرد و تمسک به این مفهوم در دنیای حسابداری امکان‌پذیر نیست و در نهایت جنبه‌های دقت و حساسیت سود نیز در حال حاضر چندان‌گرا نیست.

واژه‌های کلیدی: سود واقعی، سود اقتصادی، کیفیت سود، دقت سود.

¹ sa.vaez@scu.ac.ir

© (نویسنده مسئول)

² rahim.bonabi@yahoo.com

مقدمه

سود از نظر بسیاری از محققین و اندیشمندان حسابداری مهمترین رقم سامانه اطلاعاتی حسابداری و شاه بیت فرآیند گزارشگری مالی خارجی است و به همین دلیل لیتلتون [4] محاسبه سود را مهمترین هدف سیستم حسابداری معرفی می‌نماید. سود نتیجه تفریق تمام درآمدها و هزینه‌های تحقق یافته یک دوره مالی واحد اقتصادی است که برای محاسبه آن از ترکیب درآمدها و هزینه‌هایی (اعم از عملیاتی و غیرعملیاتی) که به مدارک مثبت، مستند می‌گردند و حائز شرایط شناخت بوده و به وسیله روش‌های قابل قبول حسابداری اندازه‌گیری می‌شوند، استفاده می‌شود. همچنین باید متذکر گردیم که برای اعمال قاعده شناخت و اندازه‌گیری نسبت به درآمدها و هزینه‌های یک مؤسسه، از اصول و استانداردهای متنوعی استفاده می‌شود تا ثمره بکارگیری ترکیبی تمام موارد ذکر شده فوق به اندازه‌گیری سود خالص منتهی گردد [11]. در منابع متعددی ذکر شده که هدف اصلی سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری، کسب سود و منفعت به میزان سطح سود مورد انتظارشان است و از آنجایی که در اغلب محیط‌های سرمایه‌گذاری (شرکت‌های سهامی عام)، مشکل جدایی مالکیت از مدیریت وجود دارد و سرمایه‌گذاران نمی‌دانند که شرکت یا بنگاهی که در آن سرمایه‌گذاری نمودند یا قصد سرمایه‌گذاری دارند، چگونه اداره می‌شود و واقعا چقدر منافع در یک دوره عملیاتی حاصل شده است، به همین دلیل محتاج دریافت اطلاعات مربوط به سودآوری شرکت از طریق صورت حساب سود و زیان و یادداشت‌هایی توضیحی آن هستند. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران مادامی که از طریق گزارشگری مالی خارجی اطلاعاتی درباره میزان و کم و کیف سود حاصله شرکت دریافت نکرده باشند، نمی‌توانند قضاوت درستی درباره انطباق یا عدم انطباق سود کسب شده با سود مورد انتظار خود داشته باشند و طبیعتاً نمی‌توانند درباره اعطای مبلغ مناسبی از پاداش به مدیریت تصمیم‌گیری نموده و همچنین نمی‌توانند درباره ابقا یا عدم ابقای مدیریت تصمیم‌گیری نمایند [31,37]. البته اطلاع و آگاهی از مبلغ سود خالص کسب شده کاربردهای متنوع دیگری هم دارد که بطور خلاصه می‌توان به مواردی مانند محاسبه مالیات بر اساس سود کسب شده، استفاده از سود بعنوان ابرازی برای سامان دادن امور شرکت‌ها، استفاده از مبلغ سود برای حل اختلافات مالی و در نهایت استفاده از سود بعنوان مرجعی برای تخصیص منابع مالی اشاره نمود [6]. به طور کلی اگر سود خالص به نحوی محاسبه شود که بتواند عملکرد مدیریت را به طور دقیق نشان دهد یا به عبارتی اثر سایر عوامل خارج از کنترل در آن کم باشد و تنها از تلاش مدیر اثر پذیرد و نسبت به فعالیت‌های مدیر حساسیت لازم را داشته باشد، آنگاه می‌توان از سود خالص در ارزیابی عملکرد مدیر بهره جست. وظیفه حسابداری و گزارشگری مالی در کاهش خطر اخلاقی نیز ارائه یک شاخص ارزیابی عملکرد دقیق و حساس است [10]. از آنجاییکه سرمایه‌گذاران و اغلب ذینفعان بسیاری از تصمیمات آتی مهم خود را منوط به اطلاع از میزان و مبلغ سود خالص کسب شده واحد اقتصادی می‌کنند، دقت در محاسبه و اندازه‌گیری سود خالص اهمیت زیادی داشته و دارد. طبیعتاً سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان علاقمند به دانستن میزان سود واقعی شرکت مورد سرمایه‌گذاری و مد نظرشان بوده و نسبت به اعلام مبلغ سود غیر واقعی و فریب آمیز واکنش منفی نشان می‌دهند. در متون بعضی مقالات حسابداری به کرات از واژه‌های سود واقعی و سود مصنوعی

استفاده شده که البته درک صحیح واژه سود واقعی و ارائه تعریف مناسبی از آن، کمک زیادی به ارائه-کنندگان رقم مذکور (مدیران) می‌نماید. آیا به راستی سامانه اطلاعاتی حسابداری قادر به اندازه‌گیری سود واقعی شرکت می‌باشد و به طور عمد از اندازه‌گیری آن امتناع می‌کنند و در صورتی که این چنین است، تعریف سود واقعی و سود مصنوعی چیست؟ آیا منظور از سود واقعی سودی است که توسط مدیریت مورد دستکاری قرار نگرفته و قضاوت‌های مدیران در اندازه‌گیری اجزای سود (درآمدها و هزینه‌ها) تاثیرگذاری ننموده است و یا اینکه اقلام غیرعملیاتی در احتساب آن دخالت داده نشدند؟ در این راستا این پژوهش دیدگاهی نو نسبت به کیفیت سود را برای بررسی‌های بیشتر ارائه می‌کند.

سود واقعی و امکان دستیابی به آن

اگر بخواهیم در خصوص پرسش‌های پیرامون واژه سود واقعی توضیحات کافی و قانع‌کننده‌ای ارائه کنیم باید اذعان نماییم تاکنون تعریف دقیق و مؤکدی از سود واقعی ارائه نشده و تنها به کلی‌گویی‌هایی در این خصوص بسنده شده است و به همین دلیل است که برخی نتیجه‌گیری نمودند که اساسا پدیده‌ای به نام سود واقعی، وجود خارجی ندارد و قابل اندازه‌گیری هم نیست، زیرا سود واقعی را تنها می‌توان از طریق جمع جبری درآمدها و هزینه‌هایی که در اثر مبادلات و دادوستدهای واقعی (و نه صوری) که ضمنا عاری از اقلام تخمینی و قضاوتی هستند، محاسبه نمود [34]. دلایل کسانی که اعتقاد دارند سود واقعی قابل محاسبه و ارائه نیست، این است که در حال حاضر سود خالص ارائه شده ترکیبی از اقلام واقعی، گاهی صوری و اقلام تخمینی است و عیوب این سود که جنبه واقعی بودن را از آن دور می‌کند این است که اولاً معاملات صوری اساسا مبنای واقعی نداشته و در صورت کشف آن تقلب در گزارشگری مالی محسوب می‌شود و حساب‌رسان نیز در صورت مهم بودن مبلغ آن با آن برخورد قانونی می‌نمایند، دوماً اقلام تخمینی و قضاوتی هم نتیجه پندارهای مدیریت است و نه دادوستدهای انجام شده و اصولاً نمی‌توان به چنین اقلامی صفت واقعی را منتسب کرد، زیرا واقعیات و حقایق خارج از ذهن انسان‌ها و در دنیای بیرونی اتفاق می‌افتد و ثمره فرآیند فکری نیست و ذهنیات در ایجاد آن نقش ندارد و طبیعتاً اسناد و مدارک مثبت‌های هم که برای اقلام تخمینی گردآوری و ارائه می‌شود، همان نحوه محاسبه تخمین‌های مدیریتی (البته در قالب رعایت اصول و استانداردهای حسابداری) است و طبیعی است که نمی‌توان به خوانندگان صورتهای مالی اطمینان داد که تمایلات و منافع مدیران در انجام برآوردها و محاسبه درآمدها و هزینه‌های تخمینی و قضاوتی، حتی با رعایت اصول و استانداردهای حسابداری بی‌تاثیر بوده است [18,19]. لازم به ذکر است که کل درآمدها و هزینه‌های اندازه‌گیری و ارائه شده توسط مدیریت، خود به دو دسته عملیاتی (مرتبط با عملیات عادی، معمول و مستمر واحد تجاری) و غیرعملیاتی (غیرمرتبط با عملیات عادی، معمول و مستمر) تفکیک می‌شوند که بر دردهای سود خالص می‌افزاید، زیرا عده‌ای اعتقاد دارند که در محاسبه سود اقلام غیرعملیاتی نباید دخالت داده شوند تا نتیجه عملکرد مدیریت مورد ارزیابی قرار گیرد. ضمناً خبر بدی که اینجا وجود دارد این است که نمی‌توان مدیریت را در ارائه اقلام تخمینی و قضاوتی منع کرد، زیرا به موجب استانداردهای حسابداری، مدیران (در مواردی) موظف به اعمال قضاوت‌های خود بوده و مکلف شدند که اقلامی را برآورد نموده و در محاسبه سود خالص

دخالت دهند و از همه بدتر اینکه نمی‌توان به خوانندگان صورتهای مالی اطمینان داد که خود معاملات و دادو ستدهای واقعی نیز تحت تاثیر تمایلات و خواسته‌های شخصی مدیران واقع نشوند، زیرا مدیران حتی از طریق فعالیت های واقعی نیز می‌تواند سود را مطابق با امیال خود آرایش نمایند [12].

با توجه به توضیحات ارائه شده فوق می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که اصولا سامانه اطلاعاتی حسابداری به هیچ عنوان قادر به شناسایی و ردیابی تنها درآمدها و هزینه‌های واقعی عاری از تمایلات مدیریت نیست و اجبارا باید اعتراف نماییم که اصولا سود یک سازه مصنوعی است و حاصل یک سری عملیات ریاضی است [6] و نه چیز بیشتر و به همین دلیل باید از بکار بردن الفاظ سود واقعی و سود مصنوعی پرهیز شود و به جای استفاده از عبارت گمراه کننده سود واقعی، از واژه سود حسابداری استفاده شود که البته سعی می‌شود با وضع ضوابط و شرایط منطقی شناخت و اندازه‌گیری، حتی الامکان مبادرت به اندازه‌گیری و ارائه سود حسابداری با کیفیت نماییم تا موجبات راهنمایی و هدایت استفاده کنندگان اطلاعات فراهم شود [5]. با التفات به مطلب گفته شده فوق می‌توانیم ادعا کنیم که دنیای حسابداری باید سطح انتظارات استفاده کنندگان را از سود واقعی به سود حسابداری با کیفیت تنزل دهد تا بتواند جوابگوی نیازها و انتظارات استفاده کنندگان باشد، زیرا سود واقعی را تنها می‌توان در مدینه فاضله جستجو نمود و نه جای دیگر. با مرور توضیحات و مطالب گفته شده باید اعتراف نماییم که هر چند به نظر می‌رسد در صورت تمسک جستن به سود حسابداری، مشکل ذاتی ارائه سود واقعی را حل می‌نماییم ولی دنیای حسابداری با چالش دیگر و شاید بزرگتری مواجه می‌شود که باید مفهوم کیفیت سود حسابداری را توضیح داده و نحوه اندازه‌گیری کیفیت سود را تشریح نماید. به عبارت دیگر باید پاسخ دهیم تعریف کیفیت سود چیست و چگونه باید از وجود کیفیت در سود ارائه شده اطمینان حاصل کنیم؟

کیفیت سود

در حال حاضر تعریف کیفیت سود و نحوه اندازه‌گیری آن چالش بزرگی در دنیای تئوری حسابداری و تحقیقات تجربی حسابداری محسوب می‌شود. در بعد تئوریک عده‌ای کیفیت سود را حاصل بیان صادقانه سود معرفی نموده و عده‌ای نیز نزدیکی سود حسابداری به مفهوم سود اقتصادی را ضابطه کیفیت سود قلمداد می‌کنند. ضمنا در تئوری حسابداری مفاهیم ساختاری، تفسیری و رفتاری (عملگرایانه) سود تبیین شده که هر کدام معنای خاص خود را دارد که در صورتی که بتوان این مفاهیم را به تعاریف کیفیت سود مرتبط نمود، شاید قدری ابهام را برطرف نموده و زمینه‌ساز فراهم شدن اجماع درباره ماهیت کیفیت سود گردد [17].

مفهوم ساختاری سود بر اجزای تشکیل دهنده سود تاکید می‌نماید و بیان می‌نماید که سود حاصل جمع جبری درآمدها و هزینه‌های دوره عملیاتی است و در واقع بر ساختمان سود تمرکز می‌نماید. مفهوم تفسیری سود، سود را لذت سرمایه و در مواقعی نیز نتیجه عملکرد مدیریت تعریف می‌نماید و در مفهوم عملگرایانه و یا رفتاری، سود را دریچه انتظارات سرمایه‌گذاران و ذینفعان و میزان و نوع واکنش آنان به اعلام نتیجه مباشرت و نمایندگی مدیران تعریف می‌نماید [2] و همانطوری که ملاحظه می‌گردد، در این مفاهیم مستقیما بر کیفیت سود تاکید روشنی صورت نگرفته است. آیا مفهوم کیفیت سود این است که

به خوبی و درستی اجزای تشکیل دهنده سود یعنی درآمدها و هزینه‌ها را شناسایی و اندازه‌گیری نموده و سپس آنان را تهاتر نماییم (مفهوم کیفیت سود از منظر ساختاری)، یا اینکه کیفیت سود گویای دقت در اندازه‌گیری میزان لذت سرمایه است و ناچاراً لذت سرمایه را سطح قدرت خرید سرمایه‌گذار تعریف می‌نماییم، یا اینکه کیفیت سود را به دقت در اندازه‌گیری عملکرد مدیریت مرتبط نماییم (مفهوم کیفیت سود از منظر تفسیری) و بالاخره کیفیت سود را به معنای اندازه‌گیری دقیق در پیچه انتظارات سرمایه‌گذاران و دقت در اندازه‌گیری میزان شکاف بین منفعت گزارش شده و منفعت مورد انتظار استفاده‌کنندگان و چگونگی واکنش رفتاری استفاده‌کنندگان نسبت به شکاف مذکور در سود اعلام شده (مفهوم کیفیت سود از منظر عملگراییانه) مرتبط نماییم؟ بیان صادقانه سود اصولاً چه معنایی دارد و چگونه باید از بی‌صداقتی در بیان سود جلوگیری نمود؟ آیا ارائه اقلام قضاوتی و تخمینی متأثر از تمایلات و امیال مدیریت و یا انجام معاملات واقعی هدفدار مدیریتی (مثل دستکاری هزینه‌های اختیاری و یا فروش هدفمند دارایی‌های ثابت)، بیان صادقانه سود را مخدوش می‌نماید و در صورتی که این چنین است، چگونه باید مانع این افعال مدیریتی شد؟ از آنجایی که نیت و غرض‌های مدیریت در ذهن آنان است و با افکار آنان گره خورده و قابل مشاهده هم نیست، شاید به نظر برسد به هیچ وجه نمی‌توان این گره را باز نمود و تعریف نمودن کیفیت سود از طریق عبارت بیان صادقانه سود، تنها یک تم نظری محسوب می‌شود و چندان عملی نیست.

اما تعریف کیفیت سود با این مضمون که سود حسابداری وقتی کیفیت دارد که به سود اقتصادی نزدیک باشد نیز چندان راه گشا نیست و گاهی رو به جلو محسوب نشود. هیکس (۱۹۳۹) اقتصاددان معروف، سود را مبلغی معرفی می‌نماید که می‌شود آن را مصرف کرد بدون اینکه تغییر در سطح رفاه سرمایه‌گذاران در پایان دوره نسبت به اول دوره مشاهده شود و البته تنها می‌توان منظور از سطح رفاه را قدرت خرید کالا و خدمات تعریف نمود [27]. در خصوص سود اقتصادی دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده و ضمن اذعان به قابل قبول بودن منطقی آن، باید اعتراف نماییم که این شیوه محاسبه سود در حسابداری امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل استانداردهای حسابداری هیچگاه به نفع این تعریف موضع‌گیری نمی‌نمایند [28]. دلیل آنان این است که سطح رفاه به وضوح قابلیت تشخیص نداشته و فاقد عینیت و قابلیت اتکا است و بیشتر یک مفهوم انتزاعی و ذهنی محسوب می‌شود، زیرا در دنیای واقعی که تمام اقلام به یک اندازه افزایش و کاهش نمی‌یابند، دقت در اندازه‌گیری قدرت خرید و بالطبع سطح رفاه عملی نیست و گره زدن مفهوم کیفیت سود با متغیری که بر ابهامات می‌افزاید و مشکلات را بیشتر می‌کند، اندازه‌گیری کیفیت سود را غیرعملی و غیرممکن می‌کند و علی‌رغم پذیرش منطق تئوریک آن، استانداردهای حسابداری از انطباق سود حسابداری با سود اقتصادی پرهیز نموده و تأکیدی بر آن نمی‌نمایند [29]. به عبارت دیگر چون سود اقتصادی را در دنیای حسابداری فاقد دقت لازم و کافی می‌دانند، به سمت استفاده از مفهوم سود اقتصادی حرکت نموده و در نتیجه معمای کیفیت سود همچنان بی‌جواب مانده و افق روشنی در این خصوص رویت نمی‌شود. صرف نظر از دنیای تئوریک حسابداری، در عالم تحقیقات تجربی حسابداری نیز از معیارهای متعددی نظیر پایداری سود، به موقع بودن سود، قابلیت پیش‌بینی سود، محافظه‌کارانه بودن

سود، کیفیت ارقام تعهدی، عدم هموارسازی سود، انطباق سود با ویژگی‌های کیفی اطلاعات، پایین بودن مدیریت سود و نظایر آن استفاده شده است که این معیارها به کرات در تحقیقات تجربی کیفیت سود مورد استفاده قرار گرفته است و تلویحا این ویژگی‌ها را حمل بر بیان صادقانه سود می‌نمایند. اما این که چرا این قدر در خصوص کیفیت سود معیارهای تجربی متفاوت و تعاریف متنوعی وجود دارد، می‌توان به این نکته اشاره کرد که استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری و خصوصا سود، طیف وسیعی بوده و نیازهای اطلاعاتی آنان نیز بسیار متنوع است و طبیعتا تعریف آنان نیز از سود با کیفیت یکسان نیست [29,5].

کیفیت سود و چالش گزارش سود واقعی

در خصوص مناسب بودن یا نبودن معیارهای تجربی اندازه‌گیری کیفیت سود مطرح شده، شاید توضیحات کافی در مقالات مختلف داده شده باشد و پرداختن مجدد به آنان، ضروی به نظر نرسد ولی برای برطرف نمودن نسبی ابهامات احتمالی و تذکر عدم جامعیت معیارهای مذکور توضیحاتی داده می‌شود.

پایداری سود

پایداری سود به معنای استمرار و تکرارپذیری سود می‌باشد و این معیار را زمانی می‌توان به عنوان معیار کیفیت سود تلقی کرد که ناشی از اعمال حداکثر سعی و تلاش تجاری مدیریت بوده و ناشی از هموارسازی سود نباشد، زیرا مدیران گاهی برای جلوگیری از نوسانات سود، به جای پرداختن به تلاش‌های صادقانه تجاری و استفاده از ظرفیت عملیاتی و تولیدی شرکت، به فعالیت‌های دستکاری سود اهتمام می‌نمایند که عدم نوسان در سود را گزارش نمایند و طبیعتا تصویرسازی ساختگی ارائه می‌کنند. در تطابق کامل، همه هزینه‌ها به طور مستقیم قابل ردیابی با درآمدهای خاص خود هستند و چنانچه مدیریت به مانند گذشته از ظرفیت عملیاتی شرکت استفاده کرده باشد منجر به کاهش نوسان سود و بازده و افزایش پایداری سود می‌شود [18] ولی مشکل اینست که امکان تطابق کامل در حسابداری به سختی امکانپذیر است. بنابراین یکی از عوامل حسابداری، که بر کیفیت سود و در نتیجه پایداری سود موثر است؛ تطابق ضعیف است. تطابق ضعیف عمدتاً ناشی از: الف) عوامل غیر قابل اجتناب تجاری، ب) موارد مرتبط با اختیار مدیریت در گزارشگری مالی و ج) قواعد و اصول حسابداری است [18,19].

قابلیت پیش‌بینی سود

قابلیت پیش‌بینی سود معیاری است که سرمایه‌گذاران بوسیله آن می‌توانند سودها و جریانهای نقد آتی یک شرکت را بر اساس اطلاعات سودهای جاری پیش‌بینی کنند که یکی از شاخص‌های کیفیت سود می‌باشد [22] و این زمانی امکان پذیر است که کیفیت ارقام سود به قدری بیشتر باشد که بازارهای سرمایه بتوانند برای ارزشیابی یک شرکت بر اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی آن اتکا کنند [15]. هنگامی که مدیران پیش‌بینی‌های سود با دقت کم منتشر می‌کنند، عدم اطمینان سرمایه‌گذاران به پیش‌بینی‌های سود مدیران بالا می‌رود. افزایش عدم اطمینان سرمایه‌گذاران منجر به کاهش واکنش به این افشای مدیران و کاهش ضریب واکنش سود آینده می‌گردد [16]. قابلیت پیش‌بینی سود یعنی این که سود سال آینده از مبلغ سود سال گذشته قابلیت برآورد و تخمین زدن را داشته باشد و این امر میسر نیست مگر آن که

سود خاصیت پایداری یا استمرارپذیری داشته باشد و یا حداقل نوسانات سود بسیار ناچیز و قابل چشم پوشی باشد که در اینجا نیز همان عیب پایداری سود نمود دارد یعنی به شرطی، این ویژگی گویای کیفیت سود است که مدیران مبادرت به حذف مصنوعی نوسانات سود نکرده باشند و مبادرت به هموارسازی سود ننموده باشند.

نوسان پذیری سود

پایین آمدن کیفیت گزارشگری مالی [33] و عدم شفافیت اطلاعات صورت‌های مالی [25]، با افزایش نوسان سود و بازده در ارتباط است. بنابراین با توجه به اینکه روند فزاینده در نوسان سود و بازده به کیفیت پایین اطلاعات قابل انتساب است و این کیفیت پایین اطلاعات به خاطر نوسان‌های مربوط به ارقام تعهدی اختیاری می‌باشد که باورپذیری و قابلیت اتکای سودها را برای سهامدار کاهش می‌دهد [14]. نوسان پذیری سود برعکس پایداری سود است و یک معیار معکوس برای کیفیت سود محسوب می‌شود و به همین دلیل توضیح اضافی لازم ندارد.

عدم دستکاری سود

عدم دستکاری سود و پایین بودن مدیریت سود را می‌توان یک تم نظری محسوب نمود و در واقع سطح و میزان مدیریت سود هیچ‌گاه به درستی و با دقت در سطح یک شرکت یا حتی در سطح مجموعه‌ای از شرکت‌ها قابل اندازه‌گیری نیست. مدیران شرکت‌ها برای دستکاری سود از دو روش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود استفاده می‌کنند. در حالت اول، مدیریت از طریق دستکاری ارقام تعهدی به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد. در این روش، مدیر معمولاً بوسیله تسریع در شناخت درآمدها و تاخیر در شناخت هزینه‌ها، به منظور ارائه عملکردی بهتر در دوره جاری، اقدام به مدیریت سود افزایشی می‌کند. اما در حالت دوم، مدیریت با اتخاذ برخی تصمیم‌های عملیاتی و به عبارت دیگر دستکاری فعالیت‌های واقعی به مدیریت واقعی سود روی می‌آورد و به سود مورد نظر خویش دست می‌یابد [34]. اما نکته اینجا است که بدلیل عدم توانایی در میزان دقیق حجم و مبلغ سود دستکاری شده نمی‌توان پایین بودن میزان مدیریت سود را معیار قابل قبولی برای اندازه‌گیری کیفیت سود محسوب نمود.

محافظه‌کاری

محافظه‌کاری را وقتی می‌توان معیار کیفیت سود تلقی کرد که پیش فرض ذهنی ما این است که مدیران همواره تمایل به دستکاری افزایشی سود دارند تا مبلغ پاداش خود را حداکثر نموده و یا احیاناً مقاصد فرصت طلبانه دیگری را تامین نمایند ولی چنانچه این پیش فرض صحیح نباشد و مدیران به دلایلی (مانند کاهش مبلغ مالیات یا دریافت کمک‌های بلاعوض از دستگاه‌های دولتی یا فرار از هزینه‌های سیاسی) تمایل به دستکاری کاهش سود داشته باشند، محافظه‌کاری موجب افزایش سود نشده و بلکه موجب کاهش کیفیت سود می‌گردد، زیرا باعث می‌شود که مدیران با استفاده از منطق محافظه‌کاری مقاصد فرصت طلبانه‌ای را به نفع خود و به ضرر سایر ذینفعان محقق نمایند. گزارش‌های مالی در ایران

به طور کلی تمایلی به محافظه‌کاری ندارند و این عدم تمایل از طریق ارقام تعهدی که تأثیرپذیری بیشتری از تصمیمات مدیریت دارند اعمال می‌شود [7]. با توجه به نتایج پژوهش‌های قبلی می‌توان گفت محافظه‌کاری، قابلیت اتکای سود را به دلیل کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش می‌دهد. در نتیجه به دلیل جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در گزارشگری سود، کیفیت سود گزارش شده بیشتر خواهد شد. بنابراین از این جهت، محافظه‌کاری شاخص مستقیم کیفیت سود است [23,36]. از طرفی شناسایی سریع تر و به هنگام تر رویدادهای کاهش سود و در مقابل عدم شناخت رویدادهای افزایش سود می‌تواند منجر به شناسایی بخشی از هزینه‌های دوره‌های آتی در دوره جاری گردد. این امر به نوبه خود می‌تواند از کیفیت سود کاسته و هزینه اخذ تصمیمات نادرست را بر سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه تحمیل کند. بنابراین از این جهت محافظه‌کاری، شاخص معکوس کیفیت سود خواهد بود [30]. در همین ارتباط عده‌ای تعریف محافظه‌کاری را واکنش به هنگام نسبت به اخبار بد تبیین نموده (محافظه‌کاری مشروط) و معتقدند که در صورت پایبندی به منطق محافظه‌کاری مشروط و پرهیز از محافظه‌کاری نامشروط، کیفیت سود ارتقا می‌یابد. شاید به میزان زیادی این استدلال صحیح به نظر برسد ولی با توجه به اینکه FASB در خصوص نحوه برخورد با هزینه‌های تحقیق و توسعه، از منطق محافظه‌کاری نامشروط استفاده نموده و استدلال می‌نمایند، شناخت بلادرنگ هزینه‌های تحقیق و توسعه در سال وقوع، اختیار مدیران را برای دستکاری سود مرتفع می‌نماید، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که از نظر تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری استفاده از محافظه‌کاری نامشروط هم گاهی به ارتقای کیفیت سود کمک می‌نماید و اجماعی در این خصوص وجود ندارد.

کیفیت ارقام تعهدی

از اعداد و گزارش‌های حسابداری برای انعقاد قراردادها استفاده می‌شود، بنابراین ارقام تعهدی به عنوان عامل موثر در انعقاد قراردادها با اعتباردهندگان و مدیران به حساب می‌آید [24]، چه بسا مدیران با توجه به انعطاف موجود در استانداردهای حسابداری و اختیار در گزینش رویه‌های حسابداری، به راحتی سود را برای دستیابی به منافع شخصی خود مورد دستکاری قرار دهند [20,21]. کیفیت بالای ارقام تعهدی هم از این نظر دچار اشکال است که واقعا ارقام تعهدی در سطوح شرکت‌ها به دقت قابل تعیین نیست و با روش‌هایی که اجماع درباره صحت آنان وجود ندارد این ارقام تخمین زده می‌شوند. ضمناً مفهوم بالا بودن کیفیت ارقام تعهدی نیز با پیش فرض‌هایی نظیر ارتباط و نزدیکی آنان به وجه نقد بیان شده است که صحت این ویژگی ارقام تعهدی نیز مورد پذیرش همگانی قرار ندارد. با توضیحات فوق ملاحظه می‌شود کیفیت ارقام تعهدی در حالی که برآورد خود ارقام تعهدی و معیار کیفیت آن مورد بحث و بررسی قرار دارد و هنوز مقبولیت عام ندارند، نمی‌تواند کمک چندانی به ما در خصوص تعیین میزان کیفیت سود بنماید.

هموارسازی سود

هموارسازی سود هم که معیار معکوس کیفیت سود است و ناشی از مدیریت سود افزایشی و کاهش‌ی بصورت هم زمان و به قصد از بین بردن نوسانات سود می‌باشد، دارای همان عیوب گفته شده در خصوص

مدیریت سود است. یعنی به دلیل عدم دقت کافی در تشخیص و برآورد میزان مدیریت در مبلغ سود، این معیار هم از دقت کافی برخوردار نبوده و درباره درجه صحت آن اطلاعات کافی نداریم و به همین دلیل چندان قابل اتکا نیست. به طور کلی معیارهای عملکرد مبتنی بر حسابداری به سبب نگرش کوتاه مدت و نیز نادیده انگاشتن هزینه حقوق مالکانه، همواره در معرض انتقاد بوده اند [8]. بنابراین این فرصت برای مدیران وجود دارد که با اعمال انتخاب‌های حسابداری و دست آویز قرار دادن این مشخصه‌ها از طریق مدیریت اقلام تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی، در صدد تامین منافع شخصی خود باشند که هر کدام کارایی قراردادهای آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند [12].

مربوط بودن و قابل اتکاء اطلاعات

انطباق سود با ویژگی‌های کیفی اطلاعات مانند مربوط بودن و قابل اتکا بودن نیز دچار اشکالاتی است که قبلاً کم و بیش درباره آن صحبت شد. مربوط بودن به معنای آن است که سود گزارش شده بر مدل تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران اثرگذاری نماید و سرمایه‌گذاران و ذینفعان با دریافت اطلاعات سود، تصمیمات خود را تعدیل و بهبود دهند که خود مربوط بودن را نیز می‌توان به دو ویژگی ارزش تاییدکنندگی و ارزش پیش‌بینی‌کنندگی تفکیک نمود که هر دوی این مفاهیم موقعی به کار می‌آید که سود واقعی باشد و تحت تاثیر تمایلات و امیال مدیریتی (چه از لحاظ اقلام مبادلاتی و معاملاتی و چه از لحاظ اقلام برآوردی و تخمینی) نباشد که قبلاً در خصوص فقدان سود واقعی صحبت شد. ویژگی دوم قابل اتکا بودن سود است، که معنای آن این است که مستند به اسناد و مدارک مثبت بوده و سود گزارش شده مدیریت همان چیزی باشد که مدعی گزارش آن هستند و عاری از تعصبات و تعلقات مدیریتی است [1] که همانطور که قبلاً گفته شد، هیچ‌گاه نمی‌توان به خوانندگان اطلاعات مالی اطمینان و تضمین داد که سود گزارش شده عاری از سوگیری‌های مدیریتی است و بطور صادقانه گویای همان چیزی است که مدیران مدعی گزارش آن هستند.

دیدگاه نوین نسبت به کیفیت سود واقعی

بعد از تمام مطالب گفته شده در اینجا سعی می‌شود دیدگاه جدیدی در خصوص کیفیت سود معرفی شود و جنبه‌های متفاوت آن از زاویه‌ای جدید به بحث گذاشته شود و آن این است که سود موقعی کیفیت دارد که مدیریت به موجب تحصیل و ارائه آن مستحق پاداش در نظر گرفته شود و سهامداران قانع شوند که نمایندگانشان (مدیران) وظیفه مباشرتی خود را به درستی انجام داده و اکنون استحقاق دریافت پاداش را دارند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که سودی که مبنای محاسبه پاداش قرار می‌گیرد و در واقع معنای آن این است که کیفیت آن مورد تایید قرار گرفته، چه ویژگی‌هایی دارد؟ در تئوری‌های حسابداری مرتبط با پاداش مدیران بر این نکته تاکید شده است که سودی که مبنای محاسبه پاداش قرار می‌گیرد باید دارای دو ویژگی دقت و حساسیت باشد. دقت سود از منظر تئوری‌های مرتبط با پاداش این است که سود نتیجه فرآیندهای محاسباتی سامانه حسابداری است و از خطای عوامل مداخله‌گر بیرونی مصون است. یعنی به عبارت دیگر سود سامانه حسابداری به این دلیل دقت دارد که (عمدتاً) تحت تاثیر وقایع مبادلاتی و برآوردی تحت اختیار مدیریت بوده و از عوامل کلان اقتصادی بیرونی که خارج از کنترل

و اداره مدیریت است، متاثر نیست [31,37,3]. با توضیحات فوق ملاحظه می‌شود که معتقدین به داشتن دقت در سود ارائه شده استدلال می‌نمایند که چون سود نتیجه جمع جبری درآمدها و هزینه‌هایی است که یا ناشی از اقلام معاملاتی شرکت بوده و یا ناشی از برآوردهای مدیریتی می‌باشد و اداره مدیریت در تمام این رویدادها موثر بوده و به نوسانات غیر قابل کنترل بیرونی (مانند تغییر در سطح رفاه و قدرت خرید) مربوط نیست و در نهایت چون معتقدند تمام اقلام درآمدها و هزینه‌های اثرگذار در اندازه‌گیری سود ناشی از مشی و منش تجاری مدیریت بوده، پس سود دارای دقت کافی است و مبلغ آن می‌تواند گویای نتیجه عملکرد مدیریت باشد و به عالم پر تلاطم و نامطمئن بیرونی مربوط نیست و می‌توان برای نتیجه عملکرد مدیریت، پاداش مناسبی در نظر گرفت [18,19]. همچنین در تئوری های حسابداری مرتبط با پاداش بر ویژگی حساسیت سود نیز تاکید شده است و اظهار می‌نمایند سود موقعی حساسیت دارد که نشان دهنده میزان تلاش‌ها و مساعی مدیریت در راستای ایفای وظیفه مباشرت و نمایندگی خود جهت حداکثر کردن ثروت سهامداران و سایر ذینفعان باشد و در واقع منظور اینست که سهامداران بر تلاش‌های صادقانه تجاری مدیریت پاداش می‌دهند و نه چیز دیگر. همچنین اعتقاد دارند که این تلاش‌ها توسط بازار سرمایه و تحلیل‌گران ریزبین، رصد شده و نتیجه تلاش‌های مدیریت بر تغییر قیمت سهام و درجه اعتباری شرکت منجر می‌شود و طبیعتاً موقعیت شرکت را در تامین مالی تغییر و بهبود می‌دهد [31,37,3].

شاید بشود گفت که این مفهوم به کیفیت تصویرپردازی میزان تلاش‌ها و کوشش‌های مدیریت جهت انجام وظیفه نسبت به سهامداران و ذینفعان مربوط می‌شود و طبیعتاً استدلال می‌نمایند که مدیران باید نسبت به میزان تلاش‌های صادقانه خود، انتظار پاداش داشته باشند و نه بیشتر و در صورتی که سهامداران از تلاش‌های نمایندگان خود رضایت داشته باشند، نسبت به تخصیص و اعطای پاداش مکفی اقدام می‌نمایند و در صورت عدم رضایت از عملکرد نماینده خود، نه تنها پاداشی به مدیران نمی‌دهند بلکه ممکن است نسبت به عدم ابقای مدیریت (عزل مدیریت) نیز مبادرت کنند [2,9]. با ملاحظه تعاریف این دو ویژگی باید متذکر گردیم که در تئوری های حسابداری بیان شده است که سود حسابداری دارای دقت ولی فاقد حساسیت است [10]. معنای این ادعا این است که می‌توان سود حسابداری را بر اساس وقایع مبادله‌ای و تخمینی مدیریتی محاسبه و اندازه‌گیری نمود، اما هیچگاه نمی‌توان با قالب‌های فعلی حسابداری تلاش‌ها و کوشش‌های مدیریت را به تصویر کشید و آثار آن را اندازه‌گیری کرد، زیرا اصولاً اندازه‌گیری خصوصیت منحصر به فرد انعکاس تلاش‌های مدیریت امکان پذیر نیست. در نگاه اول شاید نتیجه‌گیری فوق صحیح به نظر برسد اما با تامل کافی به این نتیجه می‌رسیم که احتمالاً سود حسابداری فاقد هر دو ویژگی دقت و حساسیت است.

عدم دقت سود همانطوری که قبلاً هم در این مقاله درباره آن صحبت شد، به این نکته برمی‌گردد که هیچگاه نمی‌توان به خوانندگان صورتهای مالی اطمینان داد که سودهای گزارش شده مدیران عاری از تعصبات و تمایلات مدیران است و مدیران در مبادلات و در تخمین‌های خود منافع شخصی خود را قربانی بی طرفی کرده باشند و اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم شاید بندرت بتوان مورد و حالتی را مشاهده

نمود که امیال مدیریت اثرگذاری تجاری در فرآیند اداره کردن شرکت و گزارشگری اطلاعات ننموده باشد و نقش این امیال را نمی‌توان در هدف‌گذاری مدیریت جهت نیل به تحصیل سود پیش‌بینی شده منکر شد. همان‌طوری که در ادبیات تحقیقات تجربی گفته شده، مدیران با مقاصد مختلفی مانند حداکثر کردن پاداش خود، تحصیل سود پیش‌بینی شده، فرار و اجتناب از هزینه‌های سیاسی و مالیات و بالاخره به قصد انگیزه‌های بازار سرمایه مانند فروش سهام به صرف و یا استقراض ارزان قیمت، سود را چه از طریق معاملات هدفمند واقعی (مانند فروش دارایی‌های ثابت یا تغییر در هزینه‌های اختیاری) و چه از طریق تغییر در رویه‌های حسابداری و ارقام تعهدی، بر سود معاملات و فرآیند محاسباتی آن تاثیرگذاری می‌نمایند [34,35]. فقدان حساسیت سود را نیز می‌توان به ضعف ذاتی انعکاس تلاش‌های مدیریت مرتبط کرد، زیرا درآمدها و هزینه‌های عملیاتی (و نه غیر عملیاتی) ثبت شده شرکت را می‌توان نتیجه اقدامات تجاری و آن بخش از تلاش‌های مدیریت دانست که حائز شرایط شناخت و اندازه‌گیری بوده و استانداردهای حسابداری در خصوص نحوه اندازه‌گیری مبالغ این درآمدها و هزینه‌ها صراحت دارند و همان استانداردهای حسابداری شرکت‌ها را از شناسایی درآمدها و هزینه‌هایی که شرایط شناخت و اندازه‌گیری در خصوص آنان مصداق ندارد، نهی می‌کند. ضمناً درست است که حساسیت سود ادعا می‌نماید که باید به تلاش‌های صادفانه مدیریت پاداش داد ولی این که واقعا میزان صداقت در تلاش‌های مدیریت را چگونه باید اندازه‌گیری کرد، رهنمود خاصی ارائه نمی‌شود و باید اذعان نمود که الزاما تغییر قیمت سهام و بازده شرکت‌ها را نمی‌توان ناشی از رصد نمودن تلاش‌های مدیریت توسط بازار سرمایه تلقی کرد و عوامل کلان اقتصادی مانند تغییر نرخ ارز را نیز می‌توان در تغییر بازده سهام موثر دانست [18,19].

نتیجه‌گیری

در پایان با عنایت به تمام مطالب گفته شده و مرور استدلال‌های مطرح شده، می‌توان در خصوص کیفیت سود به شکل زیر جمع بندی و نتیجه‌گیری کرد: الف- باید از مفهوم سود واقعی چشم‌پوشی کرده و به سطح سود حسابداری اکتفا کنیم. ب- سود حسابداری خود به دو حالت سود حسابداری با کیفیت بالا و سود حسابداری با کیفیت پایین تفکیک می‌گردد. ج- بیان صادفانه سود به شکل ایده‌آل (از منظور تئوریک) امکان‌پذیر و عملی نیست. د- نمی‌توان مفهوم سود اقتصادی را به عنوان الگویی مناسب و عملی برای ارائه یک سود حسابداری با کیفیت تلقی کرد و تمسک به این مفهوم در دنیای حسابداری امکان‌پذیر نیست، البته هر چند که منطق آن قابل قبول و قانع‌کننده به نظر می‌رسد. ه- سود حسابداری وقتی دارای کیفیت بالا محسوب می‌شود که دارای انطباق نسبی و (حداقل) ظاهری با اصول و استانداردهای حسابداری لازم‌الاجرا بوده و کلیه موازین شناخت و اندازه‌گیری (البته همراه با رعایت سایر مقررات الزام آور) در فرآیند محاسبه آن رعایت شده باشد و حساب‌رسان مستقل با صلاحیت نیز بر قابلیت اتکای آن مهر تایید زده و ایراد قابل توجهی بر کیفیت آن وارد نکرده باشند. و- در نهایت علی‌رغم رعایت نکات مطرح شده در بندهای قبلی، نمی‌توان تضمین داد که این سود دارای دقت کافی بوده و فاقد تاثیرپذیری از منافع شخصی مدیران بوده و همچنین منعکس‌کننده تلاش‌های حقیقی مدیران نیز نمی‌باشد و تاکنون تدبیری نیز جهت به تصویر کشیدن تلاش‌ها و مساعی تجاری مدیریت اندیشیده نشده است و ضمناً به هیچ عنوان

نمی‌توان تضمین داد که تایید حسابرسان مستقل، مبلغ سود را از هر گونه ایراد و اشکال مبرا نموده و الزاما این مبلغ سود ارائه شده مبنای مناسبی برای احتساب پاداش مدیران است و تنها و تنها به این مقدار بسنده می‌کنیم که فرض می‌شود این سود در شرایط فعلی از کیفیت قابل قبولی برخوردار است مگر آن که خلاف آن اثبات شود.

فهرست منابع

۱. آقای، محمدعلی و رحمانی، حلیمه (۱۳۹۲). "ارائه مدلی برای ارزیابی تاثیرگذاری خصوصیات کیفی بر سودمندی گزارشگری مالی"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران. زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲۰.
۲. پارسائیان، علی (مترجم). (۱۳۸۸). **تئوری حسابداری مالی** (ترجمه کتاب تئوری ویلیام اسکات، جلد دوم). تهران، انتشارات ترمه، ص ص ۷۹-۸۵.
۳. پارسائیان، علی (مترجم). (۱۳۹۰). **تئوری اثباتی حسابداری** (ترجمه کتاب تئوری جرالذ زیمرن و راس ال والتر). تهران، انتشارات ترمه، ص ص ۳۰۸-۳۱۸.
۴. تیموری، حبیب‌الله. (۱۳۹۰). **ساختار تئوری حسابداری**، ترجمه ای. سی. لیتلتن، سازمان حسابرسیف نشریه شماره ۱۵۱.
۵. ثقفی، علی؛ آقای، محمد علی. (۱۳۷۳). "رفتار سود حسابداری". **حسابداری و حسابرسی**. ۳(۲)، ۲۱-۵.
۶. ثقفی، علی؛ مرادی جز، محسن؛ سهرابی، حسینعلی. (۱۳۹۳). "رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط نااطمینانی محیطی". **مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری**. ۵(۱۷)، ۲۷-۷.
۷. رحمانی، علی و عبدالمجید صدیقی. (۱۳۹۲). "سنجش محافظه کاری بر اساس مدل بسط یافته باسو در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **فصلنامه حسابداری مالی**، ۵(۱۸): ۴۵-۲۵.
۸. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ سروش یار، افسانه. (۱۳۹۲). "ارزیابی مقایسه‌ای توانمندی معیارهای عملکرد اقتصادی و حسابداری در تبیین ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی**. ۱۵(۱)، ۵۰-۲۹.

۹. مهرانی، ساسان، کرمی، غلامرضا، سید حسینی، سید مصطفی و جهرومی، مهتاب. (۱۳۹۴). **تئوری حسابداری** (جلد دوم، چاپ اول). تهران، انتشارات نگاه دانش، ص ص ۲۵۴-۲۵۷.
۱۰. مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ سید حسینی، سید مصطفی؛ جهرومی، مهتاب. (۱۳۹۴). **تئوری حسابداری**، جلد دوم، تهران، انتشارات نگاه دانش. ص ۲۵۷-۲۵۴.
۱۱. مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ طاهری، زهرا. (۱۳۹۲). "ارمغان تئوری ای دستوری"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**؛ انجمن حسابداری ایران. تابستان ۱۳۹۲ - شماره ۶؛ صفحه ۱۳.
12. Bianchi, G., & Chen, Y. (2015). "CEO compensation and the performance of firms in the hospitality industry: a cross-industry comparison", **International Journal of Tourism Sciences**, 15(3-4),: 121-138.
13. Chen, C., Huang, A.G., & Jha, R., (2011), "Idiosyncratic return volatility and the information quality underlying managerial discretion". Vol.47, Issue.4, pp.873-899.
14. Chen, C., Huang, A.G., Jha, R., (2010). "Idiosyncratic return volatility, economic activity, and managerial discretion". Working Paper, University of Waterloo.1-45.
15. Cheng, C.S.A., Johnston, J. and Liu, C.Z. (2013), "The supplemental role of operating cash flows in explaining share returns", **International Journal of Accounting and Information Management**, Vol. 21 No. 1, pp. 53-71.
16. Choi, j.H., Myers, L.A., Zang, Y., & Ziebary, D. (2008). "The effect of management earnings forecasts on the relationship between returns and future earnings and the implications for the continuation of managements quarterly earnings guidance."
17. Clyed p.Stickney,(2007). "Financial Accounting: an Introduction to Concepts, Methods, and Uses", South Western Can gage Learning, Canada.
18. Dichev, I. & Tang, V. W. (2008), "Matching and the changing properties of accounting earnings over the last 40 years". **The Accounting Review** , Vol.83, Issue.6, pp. 1425-1460.

19. Donelcon, D. C., Jennings, R., &McInnis, J. (2011), "Changes or over time in the Revenue-Expense Relation: Accounting or Economics?" **The Accounting Review**, Vol.86, Issue.3, pp.945-974.
20. Dutta, S., & Reichelstein, S. (2005). "Stock Price, Earnings, and Book Value in Managerial Performance Measures". **The Accounting Review** 80: 1069-1100.
21. Hosseinia, M., Chalestorib, K., Rezahi Hic, S., & Ebrahimia, E. (2017). "A Study on the Relationship between Earnings Management Incentives and Earnings Response Coefficient". **Procedia Economics and Finance** .Vol.36 ,232 – 243.
22. Hussainey, K. (2009), "The impact of audit quality on earnings predictability", **Managerial Auditing Journal**, Vol. 24 No. 4, pp. 340-351.
23. Iyengar, R., and E. Zampelli. (20۱۲). "Does accounting conservatism pay?" **Accounting and Finance**, 50 (1): 121-142.
24. Kazan, E.(2016). "The impact of CEO compensation on firm performance in Scandinavia". University of Twente. IBA Bachelor Thesis Conference, Enschede, The Netherlands. University of Twente, The Faculty of Behavioural, **Management and Social sciences**.10(November):1-10.
25. Kothari, S.P. (2000). "The role of financial reporting in reducing financial risks in the market". In: Rosengren, Eric, Jordan, John (Eds.), **Building an Infrastructure for Financial Stability. Federal Reserve Bank of Boston**: pp 89–102.
26. Kothari, S.P., (2000), "the role of financial reporting in reducing financial risks in the market. In: Rosengren Eric and Jordan, John (Eds.)", **building an infrastructure for financial stability. (Federal Reserve Bank of Boston)**, pp.89–102.
27. Mankiw, Gregory.(2008), "Principle of Microeconomics, South Western Educational Publishing 2nd ed", chapter1,pp.3-6 and pp.2-207.
28. Onuma, Toshi,(2007). "Economic Handout". Japan.
29. ovary, J., Giacomino, D. and Akers, M. (2006). "A Review of Bankruptcy Prediction Studies": 1930 to Present. www.ebsco.com.
30. Paek, W., L. Chen., and L. Sami. (2007)."Accounting Conservatism, Earnings Persistence and Pricing Multiples on Earnings". **Journal of Contemporary Accounting and Economics Symposium**, 28(2): 233-260.

31. Pandher, G. & Pathak, J. (2014), "the essential role of accounting earnings in return-maximizing CEO compensation contracts." *Odette School of Business University of Windsor*. Vol.6, Issue.1, pp.1-37.
32. Rajgopal, S., M.Venkatachalam, (2011),"Financial reporting quality and idiosyncratic return volatility".**Journal of Accounting and Economics**, Vol.51, Issue.1-2, pp.1–20.
33. Rajgopal, S.,& Venkatachalam, M. (2011). "Financial reporting quality and idiosyncratic return volatility". **Journal of Accounting and Economics** 51: pp 1–20.
34. Roychowdhury, S. (2006), "Earnings management through real activities manipulation". **Journal of Accounting and Economics**, Vol.42, Issue.3, pp.335-370
35. Schutt, H. (2011), "The matching principle: Insights into earning's usefulness to Investors." *Haas School of Business University of California at Berkeley*.
36. Watts, R. L.(2003) ."Conservatism in accounting, Part II: Evidence and research opportunities". **Accounting Horizons**, 17(4): 287-301.
37. Zakaria, I. (2012), "Performance measures, benchmarks and targets in executive remuneration contracts of UK Firms." **The British Accounting Review**, Vol.44, Issue.3, pp. 189-203.



Earning Quality: Great accounting challenge

Seyed Ali Vaez (Ph.D)¹©

Associate Prof in Accounting, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran

Rahim Bonabi Ghadim (Ph.D)²

Assistant Prof in Accounting, Hashrood Branch, Islamic Azad University, Hashrood, Iran

(Received: 20 January 2020; Accepted: 16 May 2020)

The starting point for many economic and investment decisions is the awareness of the company's reported profits as an indicator of its management performance. In the meantime, due to the separation of ownership from management, the profit reported by the management does not always reflect the actual profits demanded by investors. Because profits due to the lack of unit definitions and framework in the past, as well as because of financial reporting standards flexibility, provides managers with the opportunity to make profits to achieve their own personal goals and interests. In other words, at present, the net profit represented is a combination of real, sometimes formal, and estimated items, and the disadvantages of this benefit, which excludes the real aspect, is that, firstly, formal transactions do not essentially have a real basis and at the time of its discovery, it is a fraud in financial reporting. In the second place, estimated items and judgments are the result of managerial thought and not transactions, and in principle, such attributes cannot be attributed to the real attribute. As a result, we should ignore the concept of real profit and take account of the level of accounting profit with regard to its quality. The honest expression of profit in the ideal form (theoretically) is not feasible or practical and the concept of economic profit cannot be considered as an appropriate and practical model for providing an earning quality in accounting and it's not possible to make that sense in the world of accounting. This research presents a new perspective on earnings quality.

Keywords: Real Earning, Economic Earning, Earnings Quality, Profitability Accuracy.

¹ sa.vaez@scu.ac.ir ©(Corresponding Author)

² rahim.bonabi@yahoo.com